

موضوع 8

عیسی مسیح شفا می‌دهد یوحنا باب پنج

عیسی افلیجی را شفا می‌دهد

۱ پس از مدتی، عیسی به اورشلیم بازگشت تا در مراسم یکی از اعیاد یهود شرکت کند. ۲ داخل شهر، نزدیک دروازه‌ای به نام «دروازه گوسفند»، استخری بود به نام «بیت حسدا»، با پنج سکوی سرپوشیده در اطرافش. ۳ در آنجا دسته دسته بیماران کور و لنگ و افلیج بر روی زمین دراز کشیده بودند و منتظر بودند آب استخر تکان بخورد. ۴ (زیرا معتقد بودند که هر چند وقت یکبار، فرشته‌ای از آسمان می‌آید و آب استخر را تکان می‌دهد و اولین کسی که داخل استخر شود، شفا می‌یابد). ۵ یکی از بیمارانی که در آنجا بود، مردی بود که سی و هشت سال تمام زمینگیر بود. ۶ وقتی عیسی او را دید و پی برد که بیماری‌اش طول کشیده است، پرسید: «می‌خواهی شفا یابی؟» ۷ بیمار جواب داد: «دیگر رمقی در بدنم نمانده است. کسی را نیز ندارم که وقتی آب تکان می‌خورد، مرا در استخر بیندازد. تا می‌آیم بخود حرکتی بدهم، می‌بینم که قبل از من، دیگری داخل آب شده است.» ۸ عیسی به او فرمود: «برخیز، بسترت را جمع کن و به خانه برو!» ۹ همان لحظه بیمار شفا یافت و بستر خود را جمع کرد و به راه افتاد. ولی آن روز که عیسی این معجزه را کرد، شنبه، روز استراحت یهودیان بود. ۱۰ پس سران قوم اعتراض کنان به مردی که شفا یافته بود گفتند: «چه می‌کنی؟ مگر نمی‌دانی امروز شنبه است و نباید کاری انجام دهی؟ پس چرا رختخوابت را جمع می‌کنی؟» ۱۱ جواب داد: «آن کسی که مرا شفا داد، به من گفت چنین کنم.» ۱۲ پرسیدند: «چه کسی به تو چنین دستوری داده است؟» ۱۳ آن مرد جوابی نداشت بدهد چون عیسی در میان جمعیت ناپدید شده بود. ۱۴ ولی بعد، عیسی در خانه خدا او را یافت و فرمود: «بین، تو دیگر شفا پیدا کرده‌ای، حالا اگر می‌خواهی وضعت بدتر از اول نشود، از گاهان سابق دست بکش.» ۱۵ او نزد سران قوم رفت و گفت: «کسی که مرا شفا داد، عیسی است.» ۱۶ پس، ایشان به آزار و اذیت عیسی پرداختند و او را متهم به قانون شکنی کردند چون روز شنبه این معجزه را انجام داده بود. ۱۷ ولی عیسی جواب داد: «پدر من خدا همیشه کارهای نیک انجام می‌دهد، و من نیز از او پیروی می‌کنم.» ۱۸ این حرف عیسی، سران قوم را در ریختن خون او مصمم‌تر ساخت، چون نه تنها قانون مذهبی را می‌شکست، بلکه خدا را نیز پدر خود می‌خواند و به این ترتیب خود را با خدا برابر می‌ساخت.

مقام و اختیارات عیسی

۱۹ عیسی ادامه داد: «باور کنید که من به میل خود کاری انجام نمی‌دهم، بلکه فقط کارهایی را که از پدر خود می‌بینم، بعمل می‌آورم. ۲۰ زیرا پدرم خدا مرا دوست دارد و هر چه می‌کند، به من می‌گوید. من معجزه‌های بزرگتر از شفای این مرد انجام خواهم داد تا شما تعجب کنید. ۲۱ حتی مرده‌ها را نیز زنده خواهم ساخت همانگونه که خدا این کار را می‌کند. ۲۲ پدرم خدا داوری گاهان تمام مردم را به من واگذار کرده، ۲۳ تا همه به من احترام بگذارند همانطور که به خدا احترام می‌گذارند. اگر به من که فرزند خدا هستم احترام نگذارید، درواقع به خدا که پدر من است احترام نگذاشته‌اید، زیرا اوست که مرا نزد شما فرستاده است. ۲۴» باز تکرار می‌کنم: هر که به پیغام من گوش دهد و به خدا که مرا فرستاده است ایمان بیاورد، زندگی جاوید دارد و هرگز بخاطر گناهانش بازخواست نخواهد شد، بلکه از همان لحظه از مرگ نجات پیدا کرده، به زندگی جاوید خواهد پیوست. ۲۵ مطمئن باشید زمانی فرا خواهد رسید و در واقع الان فرا رسیده است که صدای من به گوش مرده‌ها خواهد رسید و هر که به آن گوش دهد، زنده خواهد شد. ۲۶ پدرم خدا در خود حیات دارد و به من نیز که فرزند او هستم عطا کرده تا در خود حیات داشته باشم. ۲۷ او به من اختیار داده است تا گاهان مردم را داوری کنم چون من پسر انسان نیز هستم. ۲۸ از این گفته من تعجب نکنید، چون وقت آن رسیده است که تمام مرده‌ها در قبر صدای مرا بشنوند ۲۹ و از قبر بیرون بیایند، تا کسانی که خوبی کرده‌اند، به زندگی جاوید برسند و کسانی که بدی کرده‌اند، محکوم گردند. ۳۰» و اما من پیش از آنکه کسی را محاکمه نمایم، نخست با پدرم مشورت می‌کنم. هر چه خدا به من دستور دهد، همان را انجام می‌دهم، از این جهت محاکماتی که من می‌کنم کاملاً عادلانه است، زیرا مطابق میل و اراده خدایی است که مرا فرستاده، نه مطابق میل خودم. ۳۱ «وقتی در باره خودم چیزی می‌گویم، شما باور نمی‌کنید. ۳۲ پس شخصی دیگر را شاهد می‌آورم و او یحییای پیامبر است ۳۳ و به شما اطمینان می‌دهم که هر چه او در باره من می‌گوید، راست است. ۳۴ از این گذشته، شاهد اصلی من انسان نیست بلکه خداست. گفتم که یحیی شاهد است، تا شما به من ایمان آورید و نجات بیابید. ۳۵ یحیی مانند چراغی، مدتی روشن بود و شما از نورش استفاده کردید و شاد بودید. ۳۶ ولی من شاهدی بزرگتر از سخنان یحیی دارم و آن معجزاتی است که می‌کنم. پدرم به من گفته است این معجزه‌ها را بکنم و همین معجزه‌هاست که ثابت می‌کند خدا مرا فرستاده است. ۳۷ خدا خود گواه من است، خدایی که هرگز او را ندیده‌اید و صدایش را نشنیده‌اید. ۳۸ علتش نیز این است که شما به سخنان خدا گوش نمی‌دهید، چون نمی‌خواهید به من که با پیغام خدا پیش شما فرستاده شده‌ام، ایمان بیاورید. ۳۹» شما کتاب آسمانی تورات را با دقت می‌خوانید، چون عقیده دارید که به شما زندگی جاوید می‌دهد. در صورتی که همان کتاب به من اشاره می‌کند و مرا به شما معرفی می‌نماید. ۴۰ با اینحال شما نمی‌خواهید نزد من بیایید تا زندگی جاوید را بدست آورید. ۴۱» نظر و تأیید شما برای من هیچ ارزشی ندارد، ۴۲ زیرا شما را خوب می‌شناسم که در دلتان

نسبت به خدا ذره‌ای محبت ندارید. ۴۳ من از جانب خدا آمده‌ام و شما مرا رد می‌کنید؛ ولی حاضرید کسانی را قبول کنید که از طرف خدا فرستاده نشده‌اند بلکه نماینده خود شما و از جنس خودتان می‌باشند! ۴۴ می‌دانید چرا نمی‌توانید به من ایمان بیاورید؟ چون می‌خواهید مردم به شما احترام بگذارند و به احترامی که از خدا می‌آید، توجهی ندارید. ۴۵ «با اینحال، فکر نکنید که من در حضور خدا از شما شکایت می‌کنم. نه، کسی که از شما شکایت می‌کند، موسی است، همان موسی که به او امیدوارید. ۴۶ شما حتی به موسی ایمان ندارید، چون اگر داشتید، به من نیز ایمان می‌آوردید، برای اینکه موسی در کتاب تورات در باره من نوشته است. ۴۷ و چون نوشته‌های او را قبول ندارید، به من نیز ایمان نمی‌آورید.»

سوالات:

- آیا موضوعی وجود دارد که قلب شما را لمس کرده باشد؟
- چه کسی زندگی ابدی دارد؟ (24)
- عیسی مسیح در مورد رابطه اش با پدر چه می‌گوید؟